



تیتراهای امروز

گزارشی از مراسم اختتامیه نخستین دوره جشنواره فیلم مدافعان حرم

به افتخار یاران سلیمانی

گفت‌وگوی «وطن امروز» با برگزاریدگان جشنواره فیلم مدافعان حرم



صفحه ۱۲

برجسته‌ترین معاون بغدادی سرکرده داعش به هلاکت رسید

پیشروی وسیع در فلوجه

صفحه ۱۵

انتقاد آملی لاریجانی از اقدام دولت در بودجه ۹۵ قوه قضائیه

۲ هزار میلیارد زیر کف نیاز

صفحه ۲

گزارش «وطن امروز» از نبود نظارت کافی بر قیمت‌ها در آستانه ماه رمضان

جهش قیمت‌ها در بازار آغاز شد

صفحات ۳ و ۱۶

نگاه

بدون بلیت امید روی سندلی

مهدی عرفاتی

پیش‌بینی «تکرار» ریاست لاریجانی بر مجلس شورای اسلامی زیاد سخت نبود. شاید همان موقع که فراکسیون اصولگرایان اولایت با ۱۸۸ عضو تشکیل شد و در پس آن بعضی یاران لیست امید که میثاق «عارف»انه بسته بودند، زنبیل‌هایشان را در صف بیعت با لاریجانی گذاشتند [به گفته کواکبیان]... می‌شد حدس زد کار عارف باز هم به ناکامی ختم خواهد شد تا کار به جایی رسد که رقیب مغبون، لحظاتی پیش از اعلام نتایج رای گیری، خودش را به نزدیکی سندلی لاریجانی برساند و ناغافل به‌عنوان اولین نفر به «رئیس» شادپایش بگوید! به هر حال لاریجانی رئیس شد [مانند] بی‌آنکه هزینه زیادی بپردازد. او و یاران نزدیکش، برای برداشتن گام اول در مجلس دهم آکسب کرسی ریاست [عادی‌ترین سطح لابی] که در آن تخصص و مهارت ویژه دارند [را به کار گرفتند و توانستند کرسی ریاست را «بی‌درس» تصاحب کنند. اتفاق مجلس انتخاب مجدد لاریجانی] - جدا از اینکه چه تاثیری بر صحنه سیاست ایران [انتخابات ۹۶] خواهد گذاشت - از حیث معناشناسی و ریشه‌یابی [چه شد و چگونه شد] قابل توجه است.

۱- لاریجانی بر کرسی ریاست نشست چون نخستین بر چنین جایگاهی نیاز به «هرم لابی» دارد که او و یارانش - در بالاترین سطح - استاد این فن هستند آن هم در مجلسی که...

ادامه در صفحه ۵

روزنه

در دوران مدرسه و در کلاس درس تاریخ معاصر ایران همیشه برای من فضای کلاس یک فضای بهت و حسرت بود؛ چه مواجه شدن با مسائلی که در تاریخ معاصر ما در رابطه با نفوذ بیگانگان مطرح می‌شد حساسیت‌برانگیز بود و از این سخت‌تر اینکه متوجه بشوی که همواره عده‌ای خودی بوده‌اند که بهترین جاده‌صاف‌کن‌های بیگانگان بوده‌اند. رشوه منعقد می‌شده است و... و خودتان به یک نوجوان حق خواهید داد که به‌تازده شود و نتواند وقوع این حوادث را هضم کند.

بعدترها در دوران دانشجویی که کتاب‌های بیشتری درباره تاریخ معاصر مملکت خواندم آن بهت و حیرت جای خود را به یک شک و تردید داد که نکند آنچه از تاریخ معاصر کشور که در کودکی آرزوهمان می‌کرد یک قرأت ایدئولوژیک از تاریخ باشد؟ که هرکسی که در زمره ایدئولوژی نمی‌گنجد را متهم می‌کند و بدبینانه تحلیلش می‌کند. این شک و تردید تلاشی بود ویژه آن روزها و برای خشوع در برابر وجدان. اما این روزها و پس از پاره کردن یک، دو، سه پیراهن بیشتر در زندگی و بیشتر زیستن در جامعه به این نتیجه می‌رسد که آن بهت و حسرت بجا بود و ما کسانی را در تاریخ خود داشته‌ایم که بیگانه را بر کشور خود ترجیح می‌دادند و مورد عنایت همانان نیز قرار می‌گرفتند اما با یک تفاوت که معلول همان دیدگاه شکاکانه است و آن هم اینکه تلقی فقط یک انسان خائن به تنهایی نمی‌تواند آن پدیده را تحلیل کند و باید به‌دنبال منظر گاهی دقیق تر گشت، چرا که امروز هم ما با چنین مسالهای روبه‌رویم.

دانه ملک خوری، تخم به بیگانه بری!

امیراستگی

سازمان مجاهدین خلق پس از ناکامی در باز کردن جایگاه موثری در میان مردم و پس از برملا شدن خط فکری التقاطی و مشی منافقانه خود به دامان صدام معدوم رفت. به دامان کسی که جنگی نابرابر را به ایران اسلامی و انقلاب نوپایش تحمیل کرده بود. به دامان کسی که مسبب ریخته شدن خون‌های بسیاری از مردمان این سرزمین بود. به دامان کسی که مسبب جنایت دست‌اندازی به ناموس مردمان این سرزمین بود و به دامان کسی که در اندیشه جدا کردن قسمت اعظمی از خاک ایران بود. منافقین با ادعای ساماندهی یک مبارزه (!) موثر با جمهوری اسلامی چنین کردند و خود را شریک درجه یک همه جنایاتی کردند که بر مردم این سرزمین از جانب بعضی‌ها رفت. در مواجهه با این اقدام نخستین چیزی که سراغ آدمی می‌آید بهت و حیرت است؛ بهت و حیرتی از جنس همان بهت و حیرتی که برابر تحرکات رجال قاجار برای محقق شدن امتیازات بیگانگان در کشور به آدمی دست می‌دهد. همان بهت و حیرتی که از مشاهده تقلاهای بسیاری سیاسیون برای ناکام ماندن نهضت ملی شدن نفت شکل می‌گیرد، همان بهت و حیرتی که تلاش‌ها برای تصویب شدن تحریم‌های بیشتر ضد ایران در سال‌های اخیر به‌وجود می‌آورد. و شوربختانه از جنس همان بهت و حیرتی که از تلاش‌های پاره‌ای ایرانیان برای انعقاد قرارداد هسته‌ای



جریان شناسی سینمای جشنواره‌ای
در گفت‌وگوی «وطن امروز» با فریدون جیرانی

روشنفکر نیستم تناقض ندارم

- «مدافعان حرم» سوژه من هم هست
- فیلم‌های روشنفکری معمولاً با بودجه دولتی ساخته می‌شوند
- دعوی دگرگوش دعوی اروپاست
- بیضایی اوایل دهه ۷۰ گفت تماشاگر اروپایی به ما خط می‌دهد
- حاتمی کیا یک استثناست، سینما با استثنا نمی‌چرخد
- نظر مقام معظم رهبری درباره بسیاری از فیلم‌هایی که توسط مدیران سلیقه‌ای رد شدند، مثبت است

صفحه ۱۲

عکس: ابراهیم جعفری، وطن امروز

فقدان همبستگی در سطح کلان مابین نخبگان سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با آمال و آرزوها و منافع ملت ایران به چشم می‌خورد. آنجا که میثاقی کلانی وجود نداشته باشد نخبه سیاسی به طمع تضعیف رقیب خود حاضر است حتی در صورت پامال شدن منافع کلان ملتش وارد عمل شود، مانند منافقین و به خاطر ضربه زدن به انقلاب اسلامی ایران به تاراج خون و ناموس ملتش یاری برساند یا مانند همین داستان حمایت ۷۰ هزار دلاری از فعالیت‌های حسین موسویان، به‌خاطر تبلیغ معاهداتی که می‌توانست بسیار شیرین‌تر بسته شود یا مانند آن نخبگان اقتصادی که به جای به‌کار انداختن سرمایه خود در امر تولید درون کشور به راحتی و سهل‌انگانه به کار واردات و از اعتبار انداختن تولید داخل می‌پردازند یا در عرصه فرهنگ با حمایت خواهر پادشاه کنونی قطر (دختر پادشاه سابق آن) به ساخت فیلمی در عرصه نقد ساختارهای خشن سنت در جامعه ایران بپردازند. و در این ورطه پارادوکس‌های رفتاری بسیاری وجود دارد که این عنصر فرهنگی هم به مصیبت‌دیدگان حادثه پاریس تسلیت می‌گوید و هم از حامیان اقدام تروریستی در پاریس پول می‌گیرد که فیلمی بسازد تا در پاریس جایزه هم بگیرد. حمایت مالی قطری که یکی از رقبای جدید منطقه‌ای ایران است. کشوری که یکی از حامیان داعش در منطقه است و خود دارای عتیقه‌ترین ساختار حکمرانی سیاسی است. کشوری که اگر نخواهیم دشمن قلمدادش کنیم حداقل باید به عنوان رقیب نوظهور و گستاخ کشورمان در عرصه منطقه‌بندیمش.

ادامه در صفحه ۵

یادداشت امروز

شفاف‌سازی پیام ۷ اسفند

مهدی محمدی

اکنون در موقعیتی قرار داریم که دوری درباره نتایج انتخابات ۷ اسفند را می‌توان بر داده‌های واقعی استوار کرد. ادعای غالب پس از انتخابات ۷ اسفند این بود که اصلاح‌طلبان و حامیان دولت انتخابات را با قاطعیت و در سراسر کشور برده‌اند. اصولگرایان از همان آغاز تاکید کردند این ادعا در انتخابات رئیس و هیأت‌رئیس مجلس به آزمون گذاشته خواهد شد. جریان چپ رادیکال - که خود عملیات روانی خویش را باور کرده بود - با کاندیدا کردن محمدرضا عارف برای ریاست مجلس و حمایت تمام‌قد هاشمی و خاتمی از وی، همه چیز را برای ترتیب دادن این آزمون بزرگ مهیا کرد. در نهایت در روز رقابت روشن شد عارف به عنوان نماد رادیکالیسم دوم خردادی و در شرایط قطعی شدن فضا میان این تفکر و اصولگرایان، بیش از ۱۰۳ رای در مجلس ندارد. از این جهت، مهم‌ترین پرسش درباره انتخابات ۷ اسفند پاسخی غیرقابل بحث پیدا کرده است: آیا اصلاح‌طلبان برنده انتخابات بوده‌اند؟ قطعاً خیر. با این حال نتایج ۲ انتخابات ۹ و ۱۱ خرداد هیأت‌رئیس مجلس نشان‌دهنده پیچیدگی‌های مهمی است.

چند نکته تعیین‌کننده در این باره اینهاست: ۱- مجلس دارای اکثریتی سیالی است که بسته به موضوع تغییر می‌کند. رای صلب اصولگرایان و اصلاح‌طلبان را با اندکی خطا می‌توان به اندازه رای عارف در روز یکشنبه (۱۰۳ رای) و رای محمد دهنان در روز سه‌شنبه (۱۱۸ رای) محاسبه کرد. الباقی نمایندگان، افرادی لابی‌پذیر محسوب می‌شوند که بنا به مورد و تحت تاثیر ملاحظات فراوان شخصی، سیاسی و... تصمیم خواهند گرفت که موقعیت خود را چگونه تعریف کنند.

۲- آقای لاریجانی همچنان تعیین‌کننده‌ترین فسر در این حوزه است. آنجا که میثاقی کلانی وجود نداشته باشد نخبه سیاسی به طمع تضعیف رقیب خود حاضر است حتی در صورت پامال شدن منافع کلان ملتش وارد عمل شود، مانند منافقین و به خاطر ضربه زدن به انقلاب اسلامی ایران به تاراج خون و ناموس ملتش یاری برساند یا مانند همین داستان حمایت ۷۰ هزار دلاری از فعالیت‌های حسین موسویان، به‌خاطر تبلیغ معاهداتی که می‌توانست بسیار شیرین‌تر بسته شود یا مانند آن نخبگان اقتصادی که به جای به‌کار انداختن سرمایه خود در امر تولید درون کشور به راحتی و سهل‌انگانه به کار واردات و از اعتبار انداختن تولید داخل می‌پردازند یا در عرصه فرهنگ با حمایت خواهر پادشاه کنونی قطر (دختر پادشاه سابق آن) به ساخت فیلمی در عرصه نقد ساختارهای خشن سنت در جامعه ایران بپردازند. و در این ورطه پارادوکس‌های رفتاری بسیاری وجود دارد که این عنصر فرهنگی هم به مصیبت‌دیدگان حادثه پاریس تسلیت می‌گوید و هم از حامیان اقدام تروریستی در پاریس پول می‌گیرد که فیلمی بسازد تا در پاریس جایزه هم بگیرد. حمایت مالی قطری که یکی از رقبای جدید منطقه‌ای ایران است. کشوری که یکی از حامیان داعش در منطقه است و خود دارای عتیقه‌ترین ساختار حکمرانی سیاسی است. کشوری که اگر نخواهیم دشمن قلمدادش کنیم حداقل باید به عنوان رقیب نوظهور و گستاخ کشورمان در عرصه منطقه‌بندیمش.

۳- اکنون روشن شده است لیست امید در مجلس لزوماً مسالوی فراکسیون امید نیست. عضویت در لیست امید در انتخابات ۷ اسفند بیشتر یک روش برای رای آوری بوده تا اینکه شاخصی باشد از گرایش‌های سیاسی واقعی انتخاب‌شوندگان. به این نتیجه‌گیری، یک مطلب دیگر را هم می‌توان اضافه کرد و آن اینکه فراکسیون امید هم لزوماً مسالوی اصلاح‌طلبی خاص نیست. شکاف میان اولویت‌ها، مواضع و تحلیل‌های سیاسی محمدرضا عارف با سران اصلاحات در بیرون مجلس امری نیست که کسی بتواند آن را انکار کند. اصلاح‌طلبی دوم‌خردادی، حتی در معنای ۷ اسفندی آن دیگر یک جریان جمهوریخواه یا حتی مشروطه‌خواه نیست بلکه در بدترین حالت، در سیاست‌ورزی روزمره سلابتی متفاوت از اصولگرایان دارد.

ادامه در صفحه ۵



با هم، برای هم

۰۲۱-۴۸۰۳۱۰۰۰
www.enbank.ir

سالروز رحلت امام خمینی (ره) تسلیت باد